روزنه

عبدی تحلیل کرد

## تفاوت رانت و فساد

● عباس عبدی در گفت‌وگویی که با سایت جماران داشت به مسئله رانت و فساد و استفاده از موقعیت‌های ویژه براساس رانت پرداخته است. به گفته عبدی پذیرفتنی نیست همه فرزندان یک مقام سیاسی در موقعیت‌های ویژه قرار گرفته باشند.

● فساد در ایران فقط محدود به وابسته‌های سیاسی نیست بلکه مردم عادی و کارکنان دولت نیز با این مسئله درگیر هستند. میان فساد و رانت تفاوت است فساد یک امر غیرقانونی است که جرم محسوب می‌شود، مجازات دارد، اما رانت مسئله‌ای است که به‌ظاهر غیرقانونی نیست اما ظالمانه است. درباره دانشگاه‌ها نیز می‌بینیم که فرزندان هیئت‌های علمی از رانت و امتیازات ویژه‌ای استفاده می‌کنند؛ این امکان وجود دارد که رانت در بلندمدت توجیه‌گر فساد باشد.

● عدم شفافیت و رانت از علل بروز فساد هستند. دیگر علتی که می‌توان به آن اشاره کرد، ضعف نهادهای نظارتی است؛ اعم از نهادهای رسمی مثل دادگاه و بازرسی‌ها و نهادهای نظارتی غیررسمی که مطبوعات، احزاب و سمن‌ها هستند؛ اینها می‌توانند بهترین وجه نظارت را داشته باشند و جلوی فساد و رانت را بگیرند. مقررات فسادزا یکی از عوامل فساد است. وقتی قوانین به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند که به‌راحتی می‌توان از آنها سوءاستفاده کرد و مرتکب قانون‌گریزی شد، مظاهر فساد را شاهد خواهیم بود.

● نباید به ادعای جریان‌های سیاسی مانند شایسته‌سالاری و... توجه کنیم. جریان سیاسی که مدعی شایسته‌سالاری است باید در سیاست خود، از استقلال دستگاه قضائی دفاع کند در راستای تقویت نهادهای مدنی حرکت کرده و فقط به شعار اکتفا نکند، بلکه باید مقدماتی را که به تحقق شعارها منجر می‌شود، فراهم کند. هر حزب و گروه و شخصیت سیاسی که خود را طرفدار آزادی، عدالت یا شایسته‌سالاری می‌داند، باید با مقدمات آن موافقت کند. موافقت با مقدمات به این معناست که با ایجاد موازنه قوا بین دولت و ملت و گروه‌های مختلف، تقویت نهادهای مدنی، آزادی رسانه‌ها و مطبوعات و... درنهایت به شایسته‌سالاری و عدم فساد منجر شود. نگاه سلبی به این مقدمات از سوی اشخاص، احزاب و جریان‌های سیاسی، هم فرد و هم جامعه را به سمت فساد حرکت می‌دهد.

● جامعه‌ای که در آن عدم اعتماد وجود دارد به هرچیزی با سوءظن نگاه می‌کند. شاید واقعا فرزند یک شخصیت سیاسی توانایی‌ها و صلاحیت‌های لازم را داشته باشد که در موقعیتی قرار گیرد، اما چون در جامعه بی‌اعتمادی را شاهد هستیم و مصادیقی وجود داشته است که افراد بدون داشتن شایستگی و به صرف وابستگی به یک شخص یا جریان به موقعیت خوب و مناسبی دست یافته‌اند، در نتیجه مواردی هم که شایستگی دارند، مورد تردید قرار می‌گیرند. پذیرفتنی نیست که یک مقام سیاسی یا دولتی چند فرزند داشته باشد و همه آنها در موقعیت‌های ویژه قرار گرفته باشند؛ وجود چنین مواردی گویای این است که از موقعیت و منصب سیاسی سوءاستفاده شده است.

● نبود احزاب یک وجه قضیه در مسئله سوءاستفاده از مقام و جایگاه‌های سیاسی است. خلأ ساختارهایی که موازنه قوا را ایجاد کند، یکی دیگر از مسائل است. از طرفی مردم باید از طریق نهادهای مدنی متشکل شده باشند، دستگاه قضائی و بازرسی مستقل عمل کند، در غیاب اینها؛ اگر فقط احزاب مسئول باشند چه بسا آنها نیز از واقعیت خود فاصله گیرند و با سازش با یکدیگر به چپاول سرمایه‌های مردم اقدام کنند. احزاب در کنار سایر نهادهاست که می‌توانند نقش شایسته خود را ایفا کنند.

● مبارزه با فساد به موارد قانونی محدود نمی‌شود؛ زیرا سیستمی که برای مبارزه با فساد اراده کند، به یک شیوه بسنده نمی‌کند. باید تغییر مقررات و نظارت‌های مدنی صورت گیرد، مثلا درباره امتیازات و واگذاری‌های غیرقانونی، افشاگری رسانه‌ها و مطبوعات بسیار مؤثرتر و کارسازتر است. در دادگاه‌ها شفافیت رعایت نمی‌شود. اگر امکان دسترسی به اطلاعات به‌ویژه برای رسانه‌ها فراهم باشد، از وقوع بسیاری از مفاسد در جامعه جلوگیری می‌شود. اگر فقط به دستگاه قضائی بسنده کنیم، نتیجه نمی‌گیریم.

● مسائل موجود در جریان‌های سیاسی با مسائلی که از آنها به فساد، رانت و... در دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی صورت می‌گیرد، هیچ تفاوتی ندارد؛ زیرا فساد یک بیماری است که جامعه به آن دچار شده است و برای مبارزه با آن نیز باید به صورت ساختاری عمل کرد؛ بنابراین تمام شیوه‌هایی که برای مباره با فساد، رانت و... درون نظام و دولت و به صورت قانونی وجود دارد، اگر به صورت کامل اجرا شود، زمینه را برای برطرف‌کردن این مسئله در سطح جامعه و در فضای سیاسی احزاب و جریان‌های سیاسی کشور نیز فراهم می‌آورد.

ادامه در صفحه ۱۹

politics@sharghdaily.ir

# نقدی بر سخنان کدخدایی درباره صلاحیت حسن خمینی

حجت‌الاسلام رشید داوودی

عکس: رزوفه رستمی، شرق

سخنگوی شورای نگهبان اخیرا در مصاحبه با خبرگزاری شفقنا، سخنانی را بیان کردند که با توجه به جایگاه حقوقی ایشان، در چند روز گذشته واکنش‌های متعددی به همراه داشته است. یکی از موضوعات پرابهام مربوط به ماجرای صلاحیت سیدحسن خمینی از انتخابات مجلس خبرگان بود. آقای کدخدایی درباره این ماجرا می‌گوید: «آقای سیدحسن خمینی رد صلاحیت نشدند، ایشان در آزمون علمی شرکت نکردند، پس سهم او را گردن ما نگذارید، چون ایشان دعوت به آزمون شدند ولی برای آزمون تشریف نیاوردند».

کدخدایی در سخنان خود ماجرای کنارگذاشتن سیدحسن خمینی از انتخابات را به‌گونه‌ای جلوه می‌دهد گویی که آزمون علمی مجلس خبرگان، تنها راه تشخیص صلاحیت داوطلبان مجلس خبرگان بوده است! بنابراین برای تنویر افکار عمومی نکاتی به عرض می‌رسد:

الف) آیا سیدحسن خمینی رد صلاحیت شده است؟ پس از بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات، شورای نگهبان سرانجام یا صلاحیت داوطلب را محرز و حکم به تأیید صلاحیت او می‌کند یا صلاحیت فرد را محرز ندانسته و با رد صلاحیتش به او اجازه حضور در عرصه انتخابات را نمی‌دهد؛ حال جناب کدخدایی که می‌گوید: «آقای سیدحسن خمینی رد صلاحیت نشدند» توضیح دهند که آقای خمینی سرانجام تأیید یا رد صلاحیت شدند؟

البته حالت سومی هم متصور است که ظاهرا نظر جناب سخنگو این بوده که درباره سیدحسن خمینی همین راه سوم طی شده است و آن انصراف‌دادن از داوطلبی مجلس خبرگان است و به دلایلی که در ادامه ذکر خواهد شد، این راه قطعا درباره سیدحسن خمینی وجود نداشته است.

ممکن است جناب آقای سخنگو بگوید بنده گفته‌ام که سیدحسن خمینی رد صلاحیت نشده است و منظورم این بوده که درباره او حکم به عدم احراز صلاحیت شده نه رد صلاحیت! و میان رد و عدم احراز صلاحیت تفاوت است. پاسخ به این احتمال روشن است؛ زیرا اولا چه قائل به رد صلاحیت شوند یا حکم به عدم احراز صلاحیت دهند، در نتیجه امر تفاوتی حاصل نمی‌شود چراکه صلاحیت داوطلب برای حضور در عرصه انتخابات مردود شده است و ثانیا صراحت کلام و اصرار آقای کدخدایی بر این بوده که چون جناب آقای سیدحسن خمینی در آزمون شرکت نکرده پس تلقی انصراف می‌شود و نوبت به بررسی صلاحیت نمی‌رسد تا چه رسد که به عدم احراز منجر شود و روشن است که عدم احراز، فرع بررسی صلاحیت است.

ب) تنها در یک صورت است که عدم شرکت در آزمون علمی می‌تواند به منزله انصراف تلقی شود و آن این است که آزمون علمی تنها راه تشخیص صلاحیت باشد و روشن است که براساس ضوابط و قوانین «آزمون علمی» نه‌تنها راه تشخیص و نه راه متعین و ضروری برای همه داوطلبان بوده است.

ج) مرجع تشخیص صلاحیت داوطلبان: در آیین‌نامه انتخابات مجلس خبرگان، در کنار چهار شرط عمومی، شرط «اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعض مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد» به‌عنوان شرط پنجم و اساسی داوطلبان ذکر شده است.

در نخستین انتخابات مجلس خبرگان رهبری، مرجع تشخیص همه شرایط داوطلبان شرکت در انتخابات، با استادان معروف درس خارج حوزه‌های علمیه بود ولی در انتخابات بعدی [پس از اصلاحات صورت‌گرفته]، تشخیص شرایط و صلاحیت این داوطلبان [چه صلاحیت علمی و چه غیرعلمی] به فقهای شورای نگهبان واگذار شد.

حضرات آیات هاشمی‌رفسنجانی و مؤمن در سخنان خود بارها علت تفویض مسئولیت بررسی صلاحیت داوطلبان مجلس خبرگان به فقهای شورای نگهبان را به تکلف و سختی نیفتادن بزرگان بوده است نه اینکه آنها فاقد صلاحیت تشخیص باشند.

علاوه بر تبصره اصلاحی فوق، در تبصره دوم همین ماده برای تشخیص صلاحیت علمی (اجتهاد) داوطلبان راه دیگری نیز بیان شده است: «کسانی که رهبر معظم انقلاب صریحا یا ضمنا اجتهاد آنها را تأیید کرده باشد از نظر علمی نیاز به تشخیص فقهای شورای نگهبان نخواهند داشت».

د) راه‌های تشخیص صلاحیت علمی داوطلبان: آیت‌الله مؤمن در توضیح راه‌های دیگر تشخیص اجتهاد و صلاحیت علمی داوطلبان توسط شورای نگهبان، به پنج راه اشاره می‌کند: «درباره احراز اجتهاد نامزدها، یک راه همان تأیید رهبری است، اما اگر در مورد کسی تأییدی از جانب رهبری نبود، راه‌های دیگری در نظر گرفته شده است: یکی اینکه اکثر فقهای شورای نگهبان، اجتهاد کسی را تأیید کنند. راه دیگر این است که کاندیداها خودشان رساله‌های علمی و فقهی که دارند عرضه کنند، تقریرهای درس خارج - البته به صورتی که نظر خودشان هم در آن آشکار باشد، نه اینکه فقط صرف رونویسی و دفترپرکردن باشد- تا بتوان از آن تقریرات، نظر تقریرکننده را فهمید و اجتهادش را احراز کرد. راه دیگر امتحان‌گرفتن است».

آیت‌الله مؤمن در ادامه در پاسخ به اینکه آیا شورای نگهبان در تشخیص صلاحیت علمی داوطلبان همچنان از نظر استادان و بزرگان حوزه نیز استفاده می‌کنند یا خیر، به دو راه دیگر تصریح می‌کند: «گاهی هم معلوم است که او یک مدرس خارج یا سطح عالی دروس حوزوی است، یا اینکه گاهی علمای صاحب صلاحیت، به اجتهاد او شهادت می‌دهند. اینها راه‌هایی است که ما طی می‌کنیم».

ه) «آزمون علمی» تنها راه تشخیص صلاحیت نیست که آخرین راه تشخیص است؛ آقای مؤمن این مطلب را نیز به صراحت بیان کرده است: «اگر از این راه‌ها نشد، آن وقت نوشته‌های علمی را می‌خواهیم و نهایتا هم امتحان شفاهی و کتبی».

حال جناب آقای سخنگو توضیح دهند که آن همه اصرار به اینکه تنها راه احراز صلاحیت علمی داوطلبان، «آزمون علمی» بوده، براساس کدام قانون بوده است؟

اوج اعجاب آنجاست که وقتی توجیهات جناب سخنگو مورد سؤال و اشکال مصاحبه‌گر قرار می‌گیرد، وی تصریح می‌کند: «ما [اعضای شورای نگهبان] باید سهم خودمان را کم کنیم، زیرا این سهمی که به نام ما می‌نویسید، می‌خواهم بگویم به نام ما نیست». آقای کدخدایی می‌افزاید: «این افرادی که شما اسم بردید، فقط از یک جریان هستند، چرا از جریان مقابل نام نمی‌برید؟ اسامی آنها را من بگویم؟!». مسئله، مسئله رعایت قانون و انصاف و مراعات حق‌الناس است و چه فرقی می‌کند سیدحسن خمینی باشد یا هر فرد دیگر و از هر جناحی که باشد؟

در این نکته دانسته شد که آزمون علمی نه به‌عنوان تنها راه تشخیص که به‌عنوان آخرین راه تشخیص صلاحیت علمی داوطلبان است؛ بنابراین روشن است که عدم حضور در آزمون علمی هرگز نمی‌تواند به منزله انصراف از آزمون تلقی شود؛ زیرا وقتی همه راه‌ها طی شده و به احراز صلاحیت نینجامیده، دیگر انصراف بی‌معنا و باید حکم به رد صلاحیت داوطلب داد.

و) اگر برخلاف ضوابط قانونی و مطابق ادعای آقای سخنگو بپذیریم که خودداری سیدحسن خمینی از حضور در «آزمون علمی»، به منزله انصراف بوده و در نتیجه شورای نگهبان ایشان را رد صلاحیت نکرده است، دو سؤال مهم مطرح می‌شود:

۱. چرا شورای نگهبان پس از آزمون، از ایشان خواسته که همه آثار علمی خود (اعم از جزوات درسی، صوت شش سال دروس خارج اصول و فقه، متن کتاب‌های علمی و...) را برای بررسی صلاحیت علمی به شورای نگهبان تحویل دهد؟ و آقای سیدحسن خمینی نیز در پی این درخواست همه آثار علمی و متن و صوت دروس خارج خود را تحویل داده و تصریح کرده‌اند که دیگر چیزی برای ارائه وجود ندارد. حال اگر بحث «انصراف» تلقی شورای نگهبان از عدم حضور ایشان در آزمون بوده، پس چرا از شخصی که کأنّ انصراف داده، ارائه آثار علمی برای بررسی صلاحیت، طلب می‌شود؟ وانگهی اگر شورای نگهبان این آثار را بررسی کرده و به احراز صلاحیت نرسیده، پس او را رد صلاحیت کرده‌اند؛ و اینجاست که باید به جناب سخنگو گفت که چرا از پذیرش مسئولیت کاری که انجام داده‌اید، شانه خالی می‌کنید؟

اما اگر بحث «انصراف» را به خود داوطلب منتسب می‌کنید، چگونه کسی که اختیارا انصراف داده، تلاش می‌کند تا با ارائه همه آثار علمی خود، بتواند به فقهای شورای نگهبان در به‌احرازرسیدن کمک کند؟ درثانی این چه انصرافی است که بعد از اعلام نتایج بررسی صلاحیت‌ها، او به نتیجه اعلام‌شده اعتراض کرده و شورای نگهبان، مجددا صلاحیت ایشان را بررسی کرده است؟ و در این فرض نیز قطعا سخنان جناب حقوق‌دان مبنی بر انصراف نه رد صلاحیت، غیرواقعی است.

از جناب کدخدایی که درس‌خوانده حقوق در دانشگاه‌های انگلستان و ۱۴ سال عضویت به‌عنوان حقوق‌دان در شورای نگهبان هستند، انتظار نمی‌رود که این حق را برای داوطلبان قائل نباشند که آزمون علمی برای داوطلبان یک توسیع حق است برای اثبات صلاحیت خویش، اما ایشان تصریح می‌کند که چون در آزمون شرکت نکرده‌اند، پس شورای نگهبان آنان را رد صلاحیت نکرده بلکه گویی انصراف داده‌اند!!!

۲. اگر «آزمون علمی» تنها راه احراز صلاحیت داوطلبان خبرگان رهبری بوده و عدم شرکت در آزمون علمی به منزله انصراف تلقی شود، جناب سخنگو بفرمایند که:

اولا چرا برخلاف سایر داوطلبان که از طریق پیامک! به آزمون علمی دعوت شدند، از ایشان هیچ‌گونه دعوتی ولو پیامکی هم به عمل نیامد؟! و ادعای برخی افراد پس از برگزاری آزمون علمی، مبنی بر دعوت از ایشان، که توسط برخی رسانه‌ها با شانتاژ گسترده همراه بود، همان زمان با واکنش صریح سیدعلی خمینی و تکذیب قاطع ادعای مزبور مواجه شد. حال اگر پذیرفتیم که آزمون تنها راه بوده اما به داوطلب از هیچ طریقی اطلاع داده نشده که باید در آزمون شرکت کند، این کار شبهات جدی به وجود می‌آورد!

و ثانیا آیا همه داوطلبان تأییدصلاحیت‌شده توسط شورای نگهبان، در آزمون علمی شرکت کرده بودند؟!

بررسی تاریخی دوره‌های مختلف انتخابات مجلس خبرگان نشان می‌دهد که در همه دوره‌ها افرادی بدون شرکت در آزمون، تأیید صلاحیت شده‌اند و همه می‌دانند که در انتخابات اخیر مجلس خبرگان در سال ۹۴ نیز همچون روال گذشته ۹ نفر از داوطلبان با وجود شرکت‌نکردن در آزمون علمی توسط شورای نگهبان تأیید صلاحیت شده‌اند؛ تأییدات علمی صورت‌گرفته برای آیت‌الله سیدحسن خمینی هم از حیث تعداد و هم از لحاظ اعتبار و کیفیت مؤیدین، نه در انتخابات اخیر که در تاریخ مجلس خبرگان بی‌سابقه بوده است.

در پایان به سخنگوی شورای نگهبان پیشنهاد می‌شود که برای تنویر اذهان عمومی و ثبت در تاریخ به چند سؤال پاسخ دهد: ۱. حال که گفته‌اید شورای نگهبان سیدحسن خمینی را رد صلاحیت نکرده، صریحا بفرمایید که آیا در شورای نگهبان برای تأیید یا رد صلاحیت ایشان، رأی‌گیری صورت نگرفته است؟ ۲. فرض کنید که اعضای شورای نگهبان به هر دلیلی آثار علمی داوطلبی را نبینند، یا تصمیم بگیرند آنها را مطالعه نکنند، یا اینکه اصلا آزمون را برگزار نکنند، یا در صورت برگزاری آزمون، اوراق داوطلبان را تصحیح نکنند و... و در نتیجه بگویند آن داوطلب احراز صلاحیت نشد! داوطلبان چه باید بکنند؟ ۳. و در آخر اینکه آقای سخنگو! چرا سعی می‌کنید در زمینه رد صلاحیت سیدحسن خمینی در مقام پاسخ‌گویی برآیید؟

ادامه از صفحه اول

## تولد دوباره «همشهری»

همشهری در تولد دوباره خویش می‌تواند به توسعه مشارکت‌های اجتماعی در مدیریت شهری بپردازد و همه اقشار- و نه‌فقط گروه‌های خاصی- را به مشارکت ترغیب کند، به‌ویژه زنان و جوانان که نیازمند حضور فعالانه آنان در عرصه‌های گوناگون شهری هستیم. دو دهه پیش روزنامه همشهری یکی از حرفه‌ای‌ترین روزنامه‌ها بود و چون پرتیراژترین روزنامه بود، مورد توجه فعالان اقتصادی قرار گرفت و ضمیمه نیازمندی‌های آن به‌سرعت گسترش یافت و گوی رقابت را از همگنان ربود. در دوره نخست موفقیت روزنامه مدیون درون‌مایه حرفه‌ای آن بود، اما در سال‌های اخیر به نظر می‌رسید پیوستار آگهی‌ها در فروش روزنامه اثربخش‌تر است و از منظر مخاطبان، همشهری نه به‌عنوان یک بنگاه رسانه‌ای که به‌مثابه یک بنگاه اقتصادی تلقی می‌شود. امیدواریم بار دیگر روزنامه همشهری با مدیران جدید خود بتواند تجربه دوران طلایی گذشته را تکرار کند و با جذب روزنامه‌نگاران توانمند، نمادی از ژورنالیسم حرفه‌ای شود. اینک که به همت شهروندان تهرانی «امید» در دل مردم زنده شده و با تدبیر شورای محترم شهر تهران، انتخاب شهردار به سرانجام نیکو رسیده، موفقیت بزرگی برای شهروندان به‌شمار می‌رود. مدیرمسئول جدید همشهری، از چهره‌های شناخته‌شده فرهنگ و رسانه محسوب می‌شود. امید می‌رود که از این پس، همشهری راه‌ورسم اصلاح‌طلبی برای همه مردم ایران را در پیش گیرد.

خبر

## اطلاعیه دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی

● **پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور:** دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: احزاب دارای مجوز فعالیت موظف‌اند در مدت یک سال از تاریخ لازم‌الاجراشدن این قانون، وضعیت خود را با شرایط مندرج در این قانون تطبیق دهند. متن کامل اطلاعیه دبیر کمیسیون ماده ۱۰ فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی به این شرح است: احتراما پیرو اطلاعیه قبلی اعلام می‌دارد مطابق ماده ۲۲ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، «احزاب دارای مجوز فعالیت موظف‌اند ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم‌الاجراشدن این قانون، وضعیت خود را با شرایط مندرج در این قانون تطبیق دهند و گزارش آن را به کمیسیون احزاب ارسال کنند. در صورت تأیید اقدامات حزب از سوی کمیسیون احزاب، پروانه فعالیت حزب تمدید می‌شود» و همچنین مطابق تبصره ۳ ماده فوق‌الذکر، «در طول مدت مزبور که احزاب وضعیت خود را با شرایط مندرج در این قانون تطبیق می‌نمایند، فعالیت آنها قانونی بوده؛ اما در صورت اعلام نظر قطعی کمیسیون مبنی بر عدم تحصیل شرایط مندرج در این قانون، پروانه فعالیت این احزاب ملغی گردیده و هرگونه فعالیت حزبی آنها غیرقانونی است». لذا مقتضی است برابر مفاد قانون احزاب و در موعد قانونی، با هماهنگی دبیرخانه کمیسیون اقدامات ذیل را به عمل آورده و نتیجه را جهت رسیدگی کمیسیون احزاب به دبیرخانه کمیسیون ارسال نمایند:

الف) برگزاری مجمع عمومی و اصلاح مرام‌نامه و اساسنامه مطابق الگوی تدوین‌شده با قانون احزاب

ب) شرایط اعضا: ۱) اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه ۲) داشتن تابعیت ایرانی ۳) داشتن حداقل ۱۸ سال تمام ۴) عدم سوءپیشینه کیفری مؤثر

پ) شرایط صدور پروانه فعالیت

۱) شرایط احزاب ملی:

۱- ارائه اسناد برگزاری مجمع عمومی مؤسس با حضور حداقل ۳۰۰ نفر از اعضای رسمی در بیش از نیمی از استان‌های کشور ۲- ارائه اسناد تأسیس دفاتر رسمی حداقل در یک‌سوم از مراکز استان‌های کشور ۳- عدم ارتکاب تخلفات مندرج در ماده (۱۸) قانون احزاب

ادامه در صفحه ۱۹